روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

شنبه • ۱۸ مهر ۱۳۹۴ • ۲۶ ذی‌الحجه ۱۴۳۶ • ۱۰ اکتبر ۲۰۱۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۳۳۲ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۱ • اذان مغرب ۱۷:۵۴ • اذان صبح‌فردا ۴:۴۴ • طلوع آفتاب ۶:۰۷

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

آچارکشی

پدرسوراخ جهان

• پوریا عالمی: تهران پدر سوراخ جهان است؛ دو سال پیش سوراخ پروژه بابک زنجانی در شهرک غرب باز شد و شهرداری مسئولیتش را به عهده نگرفت، دیروز سوراخ پروژه کنار برج میلاد هویدا شد که متأسفانه بابک زنجانی در زندان بود و نشد این یکی را به آن یکی ربط داد.

اما این سوراخ چرا این‌قدر سوراخ شد؟ و چرا شورای شهر تهران خیلی نگران نشد؟

الف- این سوراخ را کندند که دکل نفتی را توش قایم کنند.

ب- این سوراخ را کندند که تریلی پول و دلار و طلا را که در ترکیه بلاتکلیف است در آن قایم کنند.

پ- این سوراخ را کندند که محمودرضا خاوری کشتی تایتانیک را توش قایم کند. (چون گویا سه هزار میلیارد خرج کرده تایتانیک را خریده دیده توش سلین دیون نیست، کشتی مانده رو دستش. بعد مجبور شده برود بغلش در کانادا خانه بخرد).

ت- این سوراخ را کندند که دریاچه ارومیه را توش خاک کنند.

ث- این سوراخ را کندند که منوریل تهران را که خرج کردند بکنند توش.

ج- این سوراخ را کندند که روی غربی‌ها را کم کنند که به سوراخ آزن پز ندهند.

چ- این سوراخ را کندند که بزرگ‌ترین سوراخ خاورمیانه افتخارش با ما باشد.

ح- این سوراخ را کندند که پطرس.

خ- این سوراخ را کندند؛ حالا چرا شورای شهر نگران نیست؟ چون این‌قدر تهران سوراخ‌سنبه دارد که این توش گم است.

پیشخوان



تازه‌ترین شماره دوهفته‌نامه «روشن»، پرونده‌ای اختصاصی درباره «کمپین تحریم خرید خودرو داخلی» دارد. گفت‌وگو با انور براهام، آهنگ‌ساز مشهور تونسی، درباره بهار عربی، پرداختن به فاجعه منا، نگاهی به حضور زنان در برنامه ۹۰ و یادآوری رمان «زمین سوخته» احمد محمود به مناسبت شهریورماه از دیگر بخش‌های این نشریه است.

کارتون خواب



مهدی عزیزی



سلام به فردا

تغییر در سایه صلح و گفت‌وگو



آذر منصوری

گسترش خشونت در جهان و تلاش برای کاهش خشونت‌ها و تقویت روند دموکراسی، معیار کمیته نوبل صلح برای اعطای این جایزه است و تأکید و ترویج گفت‌وگوهایی که صلح و دموکراسی را تقویت و از تخاصم‌ها و جنگ‌های احتمالی کم می‌کند زمینه مطرح‌شدن افراد و گروه‌ها را برای دریافت جایزه فراهم می‌کند. نوبل صلح امسال که به «کمیته چهارجانبه گفت‌وگوهای ملی در تونس» رسید، چنین پیامی را در دل خود دارد. در سال‌های گذشته رویدادهایی با عنوان بهار عربی یا بیداری اسلامی در بخشی از کشورهای خاورمیانه اتفاق افتاد. با وجود این، گروه‌ها و کسانی که در جست‌وجوی تغییرات، این رویدادها را رقم زدند پس از مدتی به اهداف و نتایج موردنظرشان به‌طور کامل نرسیدند و در بعضی موارد حتی از ظرفیت‌های اولیه موجود برای تغییر نیز دور شدند. امسال جایزه نوبل صلح به یک کمیته برای پیشبرد دموکراسی از طریق گفت‌وگو در یکی از همین کشورها رسیده است. این جایزه نشان می‌دهد اکنون دولت‌ها و جوامع به این نتیجه رسیده‌اند که تغییر و تقویت صلح و دموکراسی از طریق به‌کارگیری ظرفیت‌های مدنی که در دل خود جوامع وجود دارد، دست‌یافتنی است که با تأکید بر گفت‌وگو می‌توان به آن رسید. تقویت این رویکرد در کشورهایی که وضعیتی مشابه تونس دارند و تقویت روندهای دموکراتیک و صلح در این جوامع و دوری و حفظ این جوامع از خشونت‌هایی که آنها را تهدید می‌کند می‌تواند الگویی جدی برای همه کشورها باشد. از سوی دیگر باید توجه داشت که امسال دکتر محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان، به‌خاطر تلاش‌هایی که در همین زمینه داشت کاندیدای جایزه نوبل صلح بود. درواقع تأکید دولت یازدهم و دستگاه دیپلماسی کشور بر گفت‌وگو و تعامل سازنده و تأکید بر مذاکرات برد- برد موجب شد وزیر امور خارجه کشورمان نیز در کنار گروه‌ها و افراد دیگر نامزد این جایزه باشد. درست است که این جایزه به گروه دیگری تعلق گرفت اما نامزدشدن دکتر ظریف یک فرصت بسیار خوب است. درواقع دستگاه دیپلماسی کشور و دولت یازدهم برگ برنده‌ای در اختیار کشور ایران قرار داده است که از این پس با تأکید و تداوم گفت‌وگو با جامعه جهانی، برای اثرگذاری و ترویج صلح در منطقه که امروز درگیر خشونت‌های بسیار است از این برگ برنده، استفاده کند. دنیای امروز به جریان‌سازی در زمینه صلح و فراگیرشدن این رویکرد و روند نیاز دارد و از همین منظر تلاش دولت ایران و تلاش دکتر ظریف تلاش قابل‌توجهی است و مطرح‌شدن وزیر امور خارجه کشورمان به‌عنوان یکی از کاندیداها صرف‌نظر از اینکه این جایزه به گروه دیگری رسید، بیانگر انعکاس و ارسال پیام‌هایی از این دست از ایران به جهان است. امروز دولت و ملت ایران در یک فرایند عقلانی برای تقویت گفت‌وگو و ترویج صلح و دموکراسی همراه و هم‌صدا شده‌اند. در کنار این، همراهی ایران در ترویج صلح و گسترش روندهای دموکراتیک می‌تواند در داخل ایران نیز مورد توجه قرار گیرد و در جامعه مدنی ایران نیز چنین ظرفیت‌هایی به‌وفور وجود دارد که می‌تواند اهداف گفته‌شده را تأمین کند.

پشت جلد

کشک یا سیاست!



کریم ارغنده‌پور

سیاست، کشک و دوغ نیست که سر هر گذری پیدا شود. سیاست شعبه‌ای از عقلانیت است. عقل بشری وقتی با دانش سیاسی، تجربه و هوشمندی آمیخته شود، حاصلش پالیتیکز یا سیاست است. گاهی برخی سطح کار سیاسی را تقلیل می‌دهند و نام هر کنشی را «سیاست» می‌گذارند. این مختص دولتمردان نیست، در متن جامعه و نخبگان و روشنفکران هم این تلقی کم نیست. سال‌ها پیش لطیفه مشهوری بود به این مضمون که کسی برای کاری به جایی مراجعه می‌کند. از او تجربه کاری می‌خواهند. او ادعا می‌کند: «تجربه ندارم ولی کار را خوب بلدم». پاسخ می‌شنود که: «مگر سیاست است که تجربه و دانش نخواهد؟!» گاهی مبهوت می‌مانم از افرادی که راز پیشرفت کشور را فقط به یک عنصر یا گزاره گره می‌زنند. برخی فکر می‌کنند گره «همه»ی مشکلات کشور در گرو روابط با ایالات‌متحده است. یا برخی خیال می‌کنند تمام گره‌های اجرائی در یک بخش به‌خاطر وزیری است که در صدر یک وزارت نشسته است. پیش از این هم در تاریخ ما البته چنین ساده‌انگاری‌هایی کم نبوده است. میرزافتحعلی آخوندوف، مادر مشکلات ایرانی را در رسم‌الخط عربی می‌جست و درصدد تغییر زبان برآمد! نکته اصلی این یادداشت قضاوت درباره هر یک از این تک‌ادعاهای تشدیدیافته به‌عنوان حل‌کننده همه مشکلات نیست. سهل است که هریک از آنها را باید در ظرف خود نقادانه با بررسی علمی تحت قضاوت قرار داد و مزایا و معایب آنها را برشمرد. نکته، تلاقی با اندیشه‌ای است که تصور می‌کند فتح‌الفتوح مشکلات فقط یک‌بُعدی است درحالی‌که این‌گونه دیدن مشکلات درواقع به اندازه‌ای ساده‌کردن آنهاست که هیچ‌گاه حل نخواهند شد. سیاست وقتی به سادگی افراطی برسد، به پوپولیسم می‌گراید. عامه مخاطبان آن هم به‌جای پاسخ‌های قانع‌کننده به قضاوت‌های سطحی بسنده می‌کنند. نمونه آن در این روزها مسئله حق تملک اسلحه توسط شهروندان آمریکایی است که مرتب فاجعه‌های خونبار می‌آفریند و این روند بی‌وقفه ادامه می‌یابد. شهروند عادی امنیت را در گرو نگهداری اسلحه و استفاده از آن در صورت لزوم می‌پندارد. نتیجه‌اش هم طبعا جز این فجایعی که می‌شنویم نخواهد بود. وقتی سیاست دم‌دستی شود، امکان آسیب هم در آن بیشتر است. وقتی سیاست از عقلانیت دور شود، حرف‌های تک‌بُعدی بیشتر می‌شود. وقتی پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های سیاست کمتر دیده شود، اوضاع هم البته بسامان نخواهد بود.

